

علم أصول الفقه

٥-١٢-٩٢ حجية الظن في نفسه ٥٩

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- الوجه الرابع - انَّ المسألة التي يراد إثبات السيرة فيها إذا كانت من المسائل الداخلة في ابتلاء الناس بها كثيراً و كان السلوك الذي يراد إثباته و انعقاد السيرة عليه نحو سلوك لا يكون خلافه من الواضحات لدى الناس و المتشعبة مع عدم تكثر السؤال و الجواب عنها على مستوى الروايات و الأدلة الشرعية فإنه في مثل ذلك يستكشف ان ذلك السلوك كان ثابتاً في زمان المعصوم عليه السلام أيضا و إلا لزم اما أن يكثر السؤال عنه أو يكون خلافه من الواضحات عند الناس عادة و كلاهما خلف،

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- مثلاً إذا فرض انعقاد السيرة على العمل بخبر الثقة الأمر الذي ليس عدمه من الواضحات بحسب الطباع العقلانية مع كون المسألة محلّاً للابتلاء كثيراً و لم ترد في الأدلة و النصوص الصادرة عنهم ما يمنع عن العمل بخبر الثقة بل فيها ما تؤكد العمل به كان ذلك دليلاً على أن هذا السلوك كان متبعاً في تلك الأزمنة أيضاً.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- ۵- عام البلوا بودن مسأله
- شهید صدر - رضوان الله تعالى عليه - می‌فرمایند وقتی می‌بینیم دیدگاه یا روشی درباره یک مطلب عام البلوا وجود دارد، در می‌یابیم که اگر در گذشته خلافش در شریعت وجود داشت، باید به نحوی از انحا در آثار شرعی ظهور پیدا می‌کرد؛ مثلاً پرسشی از ائمه - علیهم السلام - می‌کردند که نشان دهنده نوعی ابهام نسبت به پیروی از این روش در زمان معصوم - علیه السلام - باشد.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- بنابراین ما از عدم بروز خلافتش، نتیجه می‌گیریم که در زمان معصوم - علیه السلام - هم همین سیره یا ارتکاز بوده‌است مثل مسأله خبر واحد که عام البلوا است؛ یعنی اختصاص به مورد خاص و جای خاص و گروه خاصی از مردم ندارد.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- اگر شارع این مسأله را نپذیرفته بود یا در این خصوص روش و سیره دیگری داشت، باید این روش در آثار فقهی و شرعی ظهور پیدا می‌کرد؛ در حالی که می‌بینیم در روایات ما روشی در مقابل روش عقلایی موجود مطرح نشده‌است و هم نشانه‌ای از تردید متشرعه نسبت به این مسأله نمی‌بینیم؛ بدین صورت که مثلاً متشرعه از ائمه - علیهم السلام - پرسیده باشند آیا می‌توان در امور دین به خبر واحد عمل کرد و این سؤال تکرار شده باشد و در جاهای مختلف آمده باشد. پس نتیجه می‌گیریم که در زمان معصوم - علیه السلام - هم همین روش وجود داشته‌است.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- ارزیابی روش پنجم
- مطلبی که ایشان می‌فرمایند اگر دربارهٔ مثل خبر واحد باشد، ما بر اساس روش تحلیل می‌دانیم که این سیره قائم بر حجیت بر خبر واحد یک سیره عقلایی است و اصلاً برای اثبات و اتصالش به زمان معصوم - علیه السلام - نیاز به این بحث نداریم و بر اساس بحث‌های گذشته می‌گوییم چون سیره عقلایی است و زمینه تحققش هم در زمان معصوم - علیه السلام - فراهم بوده‌است، به یقین در آن زمان وجود داشته‌است.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- اما اگر درباره چیزی باشد که نمی‌دانیم سیره یا ارتکاز درباره آن چیز عقلایی است یا نه، چگونه می‌توانیم نتیجه بگیریم که اگر خلافت در زمان معصوم بود، در آثار معلوم می‌شد.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- ایشان قبل از استدلال فرض گرفته‌است که این سیره یا ارتکاز متصل به زمان معصوم - علیه السلام - است. به تعبیر فنی این مطلب ایشان مصادره به مطلوب است؛ چون با فرض اینکه این سیره و ارتکاز متصل به زمان معصوم - علیه السلام - است، اثبات کرده‌اند که همان سیره و ارتکاز متصل به زمان معصوم - علیه السلام - است.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- در فرض دوم گرچه این اشکال وارد نیست، با این اشکال مواجه می‌شود که عام البلوا بودن در زمان ما دلیل بر عام البلوا بودن در زمان معصوم - علیه السلام - نمی‌شود.
- همچنین اگر احتمال دهیم این سیره، عقلائی نباشد، بلکه متأخراً پیدا شده باشد، همچنان این بحث ایشان فایده‌ای نخواهد داشت؛ چون عدم سؤال درباره این سیره در روایات شاید بدین جهت بوده‌است که اصلاً چنین چیزی در زمان معصوم - علیه السلام - مطرح نبوده‌است، نه آنکه چنین چیزی حتماً در آن زمان مورد قبول بوده‌است.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- این مطلب که در روایات سؤالی بر خلاف آن نشده یا روشی خلاف این از متشرعه دیده نشده است، دلیل بر اتصال این سیره به زمان معصوم نیست، بلکه دلیلی امضای آن است. اگر این بیان را در مقام اثبات امضاء سیره از سوی معصوم - علیه السلام - مطرح می‌کردند، وجهی داشت.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- بنابراین این بیان یا مصادره به مطلوب است یا طریقی برای برای احراز امضاء سیره توسط معصومین - علیهم السلام -

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- الوجه الخامس - و هو يتم في مورد لو لم تكن السيرة منعقدة على ما يراد إثبات انعقادها عليه لكان لها بديل و كان ذلك البديل ظاهرة مهمة لا تقتضى العادة أن تمرّ بدون تسجيل لخطورتها،
- و لعلّ من أحسن أمثلة ذلك انعقاد السيرة على العمل بالظواهر فانه لو لم تكن هذه السيرة موجودة في عهدهم و لم يكن بناء الصحابة و الأصحاب على جعل الظهور مقياساً لاقتناص المعنى فلا بد من أن تكون هناك مبانٍ أُخرى بديلة لذلك في مقام الاقتناص،

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- إذ لا شك في أنهم كانوا يقتنصون المعاني من الأدلة الشرعية على كلِّ حال فلو لم يكن ذلك على أساس الظهور فلا بدَّ من قاعدة أُخرى بدلاً عن الظهور و ذاك البديل لو كان لكان ظاهرة اجتماعية فريدة و ملفتة للنظر بحيث لا يمكن أن تمرّ دون أن يصل إلينا آثارها و أخبارها بشكل و آخر فإنَّ ما هو أقلُّ من ذلك تصل آثاره عادة إلى المتأخرين بالتدرّج فكيف لا تصل إلينا رائحة بديل عن الظهورات بوجه من الوجوه فيستكشف منه أنه لم يكن هناك بديل بل كان الظهور هو الحجة.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- ۶- اجتماعی بودن مسأله
- این روش تقریباً شبیه به روش پنجم است در این طریق فرض این است که سیره‌ای عام البلوا وجود دارد؛ به گونه‌ای که اگر در زمان معصوم - علیه السلام - نبود، حتماً باید جایگزینی می‌داشت؛ یعنی چیزی است که انسان در زندگی به آن نیاز دارد و هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون آن تحقق پیدا کند.
- در حالی که ما نشانی از آن جایگزین در آثار شرعی نمی‌یابیم. پس معلوم می‌شود سیره‌ای که در زمان معصومین - علیهم السلام - بوده‌است، همانی است که در زمان ما وجود دارد.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- در حال حاضر در بین عقلا ظواهر کلام حجت است و حجیت ظاهر راهی است برای مفاهمه بین عقلا.
- ایشان مقصود خود را از طریق همین عباراتی که ظاهر در معانی هستند، بیان می‌کنند و عقلای دیگر هم به استناد همین ظواهر برداشت می‌کنند و نسبت به مقصود گوینده قضاوت می‌کنند.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- اگر در زمان معصومین - علیهم السلام - ظاهر حجت نبود، حتماً باید جایگزینی دیگر وجود می‌داشت که عقلاً از طریق آن مفاهمه می‌کردند؛ چون بدون اعتبار ظواهر زندگی بشری سامان نمی‌یابد. عقلاً نیاز دارند که مقاصد خود را به یکدیگر منتقل کنند، اصولاً هنگامی جامعه شکل می‌گیرد که نوعی تفاهم بین افراد جامعه پیدا شود و امکان ارتباط طرفینی به وجود آید.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- حتماً باید آن بدیل خود را در روایات نشان می‌داد؛ چون فرض ما این است که آن بدیل چیزی نبود که بگوییم فقط بعضی‌ها مثلاً از آن اطلاع داشتند و به نسل‌های بعدی منتقل نشده‌است.
- پس اگر در روایات نشانی از آن بدیل برای حجیت ظاهر نمی‌یابیم، معلوم می‌شود در زمان معصوم - علیه السلام - هم همین‌ها خذ به ظاهر سیره بوده‌است.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- نقد راه ششم
- این بیان از جهات زیادی مثل بیان قبلی است و همان اشکالات قبلی بر آن وارد است. اگر ایشان این بیان را در مقام اثبات امضا مطرح می‌کرد، می‌توانستیم بپذیریم و بگوییم بناء عقلا بما هم عقلا بر این است که به ظاهر کلام یکدیگر اخذ کنند. پس در زمان معصوم - علیه السلام - هم وضعیت بر همین منوال بوده‌است.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- این اتصال را ما از کجا نتیجه می‌گیریم؟ از عقلایی بودن این سیره و اینکه زمینه تحقق آن در زمان معصوم - علیه السلام - فراهم بوده‌است. اگر معصوم - علیه السلام - چنین شیوه‌ای را در مفاهمات شرعی قبول نداشت و در بیان مقاصد خود شیوه دیگری غیر از این داشت، آن شیوه در آثار شرعی ظهور پیدا می‌کرد و روایات فراوانی به ما می‌رسید که مثلاً ائمه - علیهم السلام - گفته‌اند در کلمات ما یا در آیات قرآن به ظاهر اخذ نکنید، بلکه به فلان روش دیگر باید مراد ما یا قرآن را کشف کنید.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- اکنون که چنین روایات و آثاری به ما نرسیده‌است، معلوم می‌شود که معصومین - علیهم السلام - در مفاهمة شرعی همان شیوة عقلا را پذیرفته‌اند.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- ما در این بیان اتصال را مسلم گرفته‌ایم. اما اگر اتصال را مفروض نگیریم و احتمال دهیم که حجیت ظاهر امر جدیدی باشد، نمی‌توانیم بگوییم اگر شیوة معصوم - علیه السلام - غیر از این بود، حتماً باید بدیلش برای ما نقل می‌شد؛ زیرا چه بسا آن شیوه‌ای که آن‌ها برای خود داشتند، آن قدر متعارف بود که هیچ وجهی برای نقل آن نمی‌دیدند و فکر می‌کردند همه در همه زمان‌ها همین شیوه را خواهند داشت. اصولاً چیزی که در یک دورانی بین همه مسلم است، معمولاً توسط کسی بیان نمی‌شود؛ چون برای همه معلوم و واضح است. بنابراین طریق پنجم هم بیش از اینکه یک طریق احراز اتصال سیره به زمان معصومین - علیهم السلام - باشد، طریقی برای اثبات امضا یک سیره توسط ایشان است.

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- در روش‌شناسی علم اصول بود که آنجا اشاره کردیم یکی از روش‌های دستیابی به ارتکازات و سیره‌ها، استقراء است. (ر.ک: تأملات در علم اصول، کتاب اول، دفتر هشتم، ذیل بحث؟).
- بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۲۴۰.
- شهید صدر - رضوان الله تعالی علیه - در اینجا نقل را به تنهایی یکی از راه‌های اثبات اتصال دانسته‌است و مثال زده‌است که شیخ طوسی - رضوان الله تعالی علیه - می‌فرماید: سیره اصحاب و ائمه بر اعتماد به اخبار ثقات استوار بود. در واقع سیره روزگار معصوم - علیه السلام - بر حجیت خبر واحد را نقل می‌کند. (ر.ک: بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۲۳۹).

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- در حد اطلاع ما چنین چیزی مصداق ندارد.
- از آقا سید ابوالحسن محقق اصفهانی - رضوان الله تعالی علیه - نقل می‌کنند که ایشان دو نفر عامی را که از این اصطلاحات و اطلاعات علمی نداشتند ولی آدم‌های متدینی بودند، پای منبر خود می‌نشانند. هر وقت در کلاس درس بر سر تحلیل عرفی یک مفهوم اختلاف می‌شد، ایشان رو به آن دو نفر می‌کرد و می‌گفت مثلا مشتی حسین نظر شما چیست؟ هر چه آن‌ها می‌گفتند، می‌فرمودد ببینید بر چنین مطلبی بینه اقامه شد و بعد نتیجه می‌گرفت. اگر این داستان درست باشد، این یک مورد استثنایی است که یک فقیهی برای احراز عرف به بینه استناد می‌کند و برداشت آن‌ها را منبع و معیار برای تحلیل عرفی یک مفهوم قرار دهد.
- چنان‌که در گذشته اشاره کردم مباحث شهید صدر - رضوان الله تعالی علیه - در این بخش، ارتکاز و سیره متشرعه از ارتکاز و سیره عقلا جدا نشده‌است و حتی تعبیری چون سیره عقلائی متشرعی کار رفته است! (ر.ک: بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۲۳۸).

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۲۳۸-۲۳۹.
- همان ۴، ص ۲۳۹.
- برای مثال در بحث معاملات، می‌بینیم فقهای گذشته بیع را صرفاً بیع با صیغه لفظی می‌دانستند و احکام بیع را مخصوص بیع با صیغه می‌دیدند. کم‌کم این نگرش پیدا شد که بیع بدون صیغه (معاطاتی) هم احکام بیع با صیغه را دارد و این الآن جزء مسلمات فقهای معاصر است. این تبدیل‌ها به این معنا نیست که فقهای گذشته درست می‌گفتند. (این جمله اخیر ابهام دارد یعنی چه در متن اصلی هم واضح نبود؟) ما می‌گوییم تحلیل فقهای گذشته از حقیقت بیع درست نبود که آن را وابسته به صیغه می‌دانستند. همچنین در بحث منزوحات بئر در یک دورانی بئر تقریباً برای فقها جزء مسلمات بود که وقتی نجاستی در چاه می‌افتد؛ هرچند رنگ، بو یا طعم آب تغییر نکرده باشد، باید چند سطل آب از چاه کشیده شود. بعدها در جزء مسلمات شد که آب چاه معتصم است و مادامی که رنگ، بوی یا طعمش تغییر نکرده باشد، نجس نیست و این منزوحات بئر را بر استحباب حمل کردند.
- معنای این حرف این نیست که کسی بخلاف نظر مشهور فقها یک حرف بی ربط می‌زند، این حرف کم‌کم به نظر غالب تبدیل می‌شود. در روزگار ما این نحو برخورد با مسائل علمی چیزها مد شده است و هر کسی بدون مستند مدعی است حرف نویی می‌زند و در حقیقت چیزهایی می‌بافد و می‌گوید فقها می‌بافند من هم می‌بافیم. به فرموده ایت الله حسن زاده - حفظه الله - اگر فیلسوفان بافتند، حریر بافتند. بعضی‌ها که می‌بافند کف و گونی است!

راه‌های کشف اتصال سیره و ارتکاز به زمان معصوم

- حجیت خبر واحد مثال برای مورد سیره عقلایی است چون اکثریت قریب به اتفاق فقها و اصولی‌ها معتقدند که حجیت خبر واحد امر عقلایی است. من غیر از استاد خودم جناب آیت الله حائری - حفظه الله - کسی را نمی‌شناسم که خلاف این نظر را پذیرفته باشد. ایشان بر خلاف همه اصولی‌ها و فقها معتقدند که حجیت خبر واحد امر متشرعی است.
- بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۲۴۰.
- همان، ص ۲۴۱.
- البته این احتمال را نمی‌دهیم؛ چون حجیت ظاهر امری است که به حیثیت عقلایی عقلا بر می‌گردد. بنابراین نمی‌تواند یک امر جدیدی باشد.
- متن پاورقی اضافه شده است.
- پاورقی ملاحظه گردد
- ابهام دارد چرا دلیلی نمی‌شود؟ در متن اصلی فقط همین یه جمله آمده و دیگر توضیح هم داده نشده